

## سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران:

### دست بخش خصوصی از نظام آموزشی مین کوتاه!

### در دفاع از نظام آموزشی عمومی و برضد خصوصی سازی آموزش عالی

راستای جهانی سازی، تلاش دارد تا فشارهای بیشتری را برای خصوصی سازی بخش های عمومی، به ویژه در سطح آموزش عالی ایجاد نماید. بند های مختلف و مکانیسم های «موافقت نامه عمومی مربوط به تجارت خدمات» (GATS) امکان اقدام در جهت گسترش و بهبود سیستم آموزش عالی را برای کشور های امضاء کننده مشکل می سازد.

تلاش های سازمان تجارت جهانی به عنوان یکی از سه

روز ۲۳ شهریور ماه (۱۳ سپتامبر ۲۰۰۳)، از سوی اتحادیه جهانی دانشجویان، آی یو - اس، به عنوان روز کارزار جهانی دانشجویان برای دفاع از تحصیلات و آموزش ملی و برضد خصوصی کردن هر چه بیشتر آموزش و پرورش عمومی انتخاب شده بود. تعیین این روز در واقع به دلیل برگزاری اجلاس با اهمیت «سازمان تجارت جهانی» در کان کن (مکزیک) در روزهای ۱۹ تا ۲۳ شهریورماه (۹ تا ۱۳ سپتامبر) است. طی این اجلاس سازمان تجارت جهانی در ادامه سیاست گذاری های خود در

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۶۹، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۸۲

## منتشر شد



اثر کلاسیک و مهم «لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمانی» اثر فردریش انگلس به همراه تزهایی از

مارکس درباره فویرباخ، ترجمه رفیق شهید محمد پور هرمان بر روی صفحات حزب توده ایران در شبکه جهانی اینترنت منتشر شد.

## خاتمی: «ما خیانت نکردیم»

بر اساس گزارش سایت خبری «امروز» سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در سخنانی، در جمع اعضای مجلس دانش آموزی کشور گفت: «اگر به دوم خرداد امید بستید و ما شکست خوردیم و نتوانستیم به وعده های خود جامه عمل بپوشانیم، ولی به مردم دروغ نگفتیم و خیانت نکردیم.» خاتمی

ادامه در صفحه ۳

## واقعات دهشتناک سياهچال های رژیم فقها و

### «روزه» سیاسی در همبستگی با زندانیان سیاسی «حتی اگر بخشی از آن ادعای صیغ باشد»!

پیام به افرادی است که با زندانیان سیاسی شبه قانونی برخورد کرده و آنها را از حقوق حقه خویش محروم کرده اند» سحر خیز در انتها اعلام کرد که: «چنانچه زمینه تحقق حقوق حقه زندانیان سیاسی فراهم نشود، روزه سیاسی به اقدامی مکرر در آینده نزدیک تا تحقق برگزاری این عمل اعتراضی پایگاه اینترنتی «امروز» از حمایت شمار زیادی از نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور از این حرکت خیر داده بود و نیروهای ملی - مذهبی با انتشار بیانیه بی پیرامون پیوستن خود به این حرکت از جمله تأکید کرده بودند که: «در ماههای اخیر روند دستگیری و بازداشت غیرقانونی فعالان سیاسی و مطبوعاتی شدت یافته و شاهد وارد شدن فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی بر بسیاری از آنان، از جمله آقایان تقی رحمانی، سعید رضوی فقیه، محسن سازگارا، هدی صابر، امیر طیرانی، عباس عبدی، رضا علیجانی و ... بوده

ادامه در صفحه ۶

بر اساس گزارش رسانه های گروهی «روزه سیاسی» افراد، شخصیت های سیاسی و اجتماعی در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، روز سه شنبه ۲۵ شهریور ماه در محل دفتر مرکزی مشارکت به پایان رسید. بر اساس گزارش ایلنا، عیسی سحر خیز نماینده مدیران مسؤول در هیأت نظارت بر مطبوعات، درباره برگزاری این حرکت اعتراضی گفت: «این عمل فراتر از اعمالی مانند صدور اطلاعیه و نامه نگاری صورت می گیرد و هنگامی که حالت جمعی می یابد اثرگذاری اجتماعی آن برای به دست آوردن حقوق حقه افزایش می یابد.» عیسی سحر خیز در ادامه افزود: روزه سیاسی تعدادی از فعالان مطبوعاتی و سیاسی افکار عمومی را به سمت این اقدام، و دلایل و پیامدهای آن جلب می کند و حمایت بیشتر اقشار اجتماعی و فرهنگی از این امر بیانگر ارزش و میزان کارکرد آن است. این نوعی

نگاهی به تحولات اخیر در بازار بورس تهران در صفحه ۲ و ۳

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## نگاهی به تحولات اخیر در بازار بورس تهران

افزایش لگام گسیخته و شدید و ناگهانی قیمت سهام در بازار بورس و فعل و انفعالات پُر شتاب در این زمینه، یکی از مهمترین مسایل در طی ماه گذشته و به ویژه هفته های اخیر بود. رسانه های همگانی، از این افزایش سریع قیمتها با عنوان رشد بادکنکی بورس نام برده و آنرا در مرکز توجه قرار دادند. افزایش بی سابقه شاخص کل قیمت سهام به شکلی که در کمتر از سه روز بیش از ۱ هزار دلار افزایش داشت، مجموعه اقتصاد کشور و بسیاری از عرصه های سیاسی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار داد و ویژگی های چندی را که، می باید موشکافانه و با دقت به آن نگریست از خود بروز داد. از ابتدای سال جاری، با شتاب گرفتن اجرای برنامه های دیگته شده از سوی صندوق بین المللی پول، شاهد رشد شاخص کل بورس و اوراق بهادار بوده ایم که، در چند هفته گذشته رشدی سرسام آور و فوق العاده گرفت. مطابق آمار رسمی رژیم ولایت فقیه درصد رشد این شاخص در عرض چند هفته از مجموعه رشد آن در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰ خورشیدی بسی فراتر رفت و با حدود ۸۸ درصد افزایش، از ۵۱۰۰ واحد در ابتدای امسال به ۹۶۰۰ واحد در هفته های پایانی مرداد ماه (سال ۱۳۸۲) رسید؛ در این میان آنچه شگفت آور می نمود، رشد سرسام آور سهام صنایع خودروسازی بود. روزنامه اعتماد در این باره و با اشاره به افزایش سهام صنایع خودروسازی در بازار بورس تهران از جمله چنین نوشت: ... این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که، صنایع خودروسازی در ۷ سال اخیر با بهره گیری درست از امکانات خود (خوب توجه کنید) قلب تپنده اقتصاد ایران بوده اند و توانسته اند، تولید مثلاً خودروی سواری کشور را از ۱۳۵ هزار دستگاه در سال ۱۳۷۵ به ۷۵۰ هزار دستگاه در سال ۱۳۸۲ برسانند که، رشدی ۵۵۵ درصدی را در این مدت نشان می دهد. تنها امسال رشد تولید این صنایع نسبت به پارسال ۵۰ درصد بر آورد شده است.

همین روزنامه که به باندهای وابسته به رفسنجانی نزدیک است، سپس در ادامه مطلب می افزاید: ... اکنون سرمایه گذاران به درستی دریافته اند که، سرمایه های مادی و تکنولوژیکی و نامشهود واقعی در صنایع خودروسازی ایران بسیار بیش از آن چیزی بوده که، تا همین اواخر قیمت سهام این صنایع در تالار بورس آن را بازتاب داده است، چنین می نماید که، سرمایه گذاران سرانجام از سد شایعات پی در پی آزاد شدن واردات خودرو عبور کرده و اعتماد به صنایع خودروسازی داخلی را آغاز کرده اند ... در این خصوص یادآوری این نکته ضرور است، صنعت خودروسازی داخلی که متکی بر سرمایه های مادی و فنی قابل توجه در داخل کشور باشد، آنگونه که، روزنامه مذکور ادعا می کند، وجود ندارد! صنایع خودروسازی ایران با هزاران رشته مرئی و نامرئی به صنایع غول پیکر خودروسازی کشورهای امپریالیستی وابسته هستند. در این مورد چند نمونه کوتاه کافی است. در ست همزمان با نوسانات شدید در بازار بورس تهران و افزایش قیمت سهام صنایع خودروسازی، روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی خبر دادند؛ گروه اتومبیل سازی بهمن و شرکت میتسوبیشی موتورز ژاپن یک قرارداد همکاری در تولید و فروش خودروهای پاجرو در ایران را به امضاء رسانده اند. بر پایه این قرارداد گروه بهمن از این پس بصورت نماینده انحصاری میتسوبیشی موتورز در ایران عمل خواهد کرد. رایزن اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی در توکیو علت انتخاب گروه بهمن توسط ژاپنی ها را به خبرگزاری ایرنا اینچنین توضیح داد: میتسوبیشی موتورز گروه بهمن را یک شرکت غیر دولتی موفق دانسته که، به عنوان اولین اتومبیل ساز برگزیده سبز ایران است و مهمتر اینکه در سال گذشته (۱۳۸۱ خورشیدی) در بازار بورس تهران شرکت برتر بوده است.

علاوه بر این، در ماه گذشته اعلام شد، کلیات برنامه ایجاد شرکت صنعت خودرو در هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به تصویب رسید. محور اصلی طرح فوق خصوصی سازی و جلب سرمایه خارجی می باشد. به دنبال تصویب این طرح، گروهی از گردانندگان شرکت گسترش صنعت خودرو بنا به دعوت ۴ شرکت بزرگ اروپایی یعنی پژو، سیتروین، رنو و فیات به اروپا سفر کرده و میهمان این شرکتها بودند. گزارشات منتشر شده حاکی است که، توافق نامه های گوناگونی در این سفر امضاء گردید و طبق آن، شرکتهای خارجی در صنایع خودروسازی ایران حضور مستقیم پیدا می کنند. به این ترتیب، مشخص است چرا و به چه دلیل سهام صنایع خودروسازی افزایش قیمت یافته و به زعم محافل معینی در درون حکومت قلب تپنده اقتصاد ایران نام گرفته است.

رژیم ولایت فقیه، به ویژه وزارت اقتصاد و مسئولین سازمان بورس و اوراق بهادار تهران برای ایجاد تعادل و کنترل بازار بورس دست به اقداماتی زدند که البته ثمربخش نبود و نمی توانست باشد. حسین عبده تبریزی، دبیر کل سازمان بورس و اوراق بهادار یادآور شد، تصمیم گرفته ایم که، برای کنترل بازار سهام، سیاست افزایش صفر درصدی قیمت های سهام را اجرا کنیم ... علت اتخاذ این تصمیم روشن شدن برنامه واگذاری سهام دولتی و اعلام دقیق میزان واگذاری در ماههای باقی مانده سال ۸۲ و نیز اعلام ترکیب سرمایه گذاران حقیقی و حقوقی در معاملات دو طرفه و ارایه اطلاعات در مورد تحولات ۴ ماهه اول امسال و ریسک های بازار است.

اما این سیاست همانگونه که قبلاً اشاره رفت، ثمربخش و موثر نبود. پس از اجرای سیستم فوق الذکر، اعلام گردید، در معاملات انجام شده در اواخر مرداد ماه تنها به تقاضای ۳۵ درصد شرکتها پاسخ داده شده است. نه تنها تعادلی در بازار بوجود نیامد، بلکه تقاضا روی برخی صنایع از جمله صنایع خودروسازی همچنان افزایش نشان داد. وضعیت به شکلی وخیم گردید که معاون وزیر اقتصاد رسماً تأکید نمود: ... رشد قیمت سهام برخی شرکتها و نوسانات شدید موجب نگرانی سرمایه گذاران و سهامداران کوچک و خرده پا شده است. به بیان روشن سرمایه های بزرگ و عمده طی تلاطمات شدید بازار بورس تهران کوچکترها را خرد کرده و یا بلعیده است. بی جهت نبود که یکی از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی خاطر نشان ساخت: تحولات بازار بورس و اوراق بهادار تهران و مجموعه قوانین فقط و فقط به نفع سهامداران عمده شرکتها برای عرضه سهام است و آنها برندگان اصلی این جدال هستند. نوسانات شدید و پُر قدرت در بازار بورس تهران ناشی از عوامل معینی است. در این مورد معاون وزیر اقتصاد یادآور گردیده است: ... افزایش نقدینگی رکود در بازار مسکن، ارز، طلا، تلفن همراه (موبایل) و همچنین ورود وجوه و پول های غیر مستقیم به کشور از عوامل موثر در تشدید قیمت سهام در بازار بورس تهران قلمداد می شوند.

روزنامه اعتماد وابسته به باندهای رفسنجانی و شرکاء در ارزیابی خود از تحولات بازار بورس تهران به موردی اشاره کرده که جالب و اساسی است؛ این روزنامه نوشته است: عواملی چون رشد اقتصادی بالا (۱) در کنار رشد نقدینگی قابل توجه کشور، سرمایه های هنگفت موجود را از حضور در بخشهای سریعاً نقد شونده و مشهود مانند مسکن و ارز و طلا به بخشهای نامشهودتر و جدیدتر چون بورس متوجه کرده است و این خود نمایانگر آن است که، اولاً سرمایه

## ادامه نگاهی به تحولات اخیر در بازار بورس ...

گذاران سرانجام حساب اقتصاد ایران را از تحولات سیاسی و بی ثباتی اجتماعی کشور جدا کرده و به رشد دایمی و پایدار آن دل می بندند و ثانیاً اکنون نسل جدیدی از فعالان اقتصادی (بخوان سرمایه داران) در کشور در آستانه برآمدن هستند که، بخش مدرن اقتصاد ایران را می شناسند و به آن اعتماد دارند و آن را تقویت می کنند.

جان کلام و گنه ماجرا در همین جمله ها نهفته است؛ برآمدن و رشد لایه نوینی در درون طبقه سرمایه دار ایران! این لایه نوپدید و در حال رشد و قوام را باید سرمایه داری وابسته نوین ایران خواند که، در تحولات اخیر کشور، هر چه بیشتر (گرچه گاه به کندی و در برخورد با موانع گوناگون) مواضع و موقعیت خود را تحکیم می کند. آنچه در بازار بورس تهران رخ داد با همه جوانب گوناگونی که داراست، نشانگر حضور این لایه نوین سرمایه داری ایران است. رشد و قوام این لایه با توجه به تحولات اقتصادی، سمت گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه و تغییر و تحولات درونی طبقه سرمایه دار ایران، امری است واقعی که ریشه در زیر بنای اقتصادی موجود دارد. عملکرد بازار بورس تهران با همه واپس ماندگی های آن نسبت به اروپا، امریکا و آسیای جنوب شرقی، در ماهیت تفاوتی اصولی با آنها ندارد. معاملات در بازار بورس فقط یک قماربازی در ابعاد کوچک نیست که همه روز در مراکز مختلف از نیویورک و لندن و هنگ کنگ کنگ و ... گرفته تا تهران جریان دارد. بلکه این معاملات بغرنج به وسیله دلالتان ورزیده که با بزرگترین بانکها و شرکتهای و انحصارات فراملی تماس دارند، صورت می گیرد و هم اینان نبض اقتصادی کشور و اوضاع همه شرکت های کوچک و متوسط را به دست دارند و می توانند معاملات بورس را با توجه به پیوندهای مختلف خود در جهت هدایت کنند که سهامداران کوچک از پای در آمده و به خاک سیاه بنشینند و سهام در دست بزرگترها متمرکز شود.

خرید و فروش اوراق سهام در بازار بورس و معاملاتی که روی آن انجام می گیرد پولی است که به سرمایه یی که بهره می آورد تبدیل شده و از این رو جز با دریدن و نابود کردن کوچکترها امکان پذیر نمی باشد. به قول لنین: کسانیکه در کار سفته بازی معاصر نابغه هستند می دانند چگونه مبالغ هنگفتی از سود را علاوه بر آنچه به عنوان بهره سهام تقسیم می شود به جیب خود بزنند. (لنین، امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری، منتخب به فارسی صفحه ۵۳۷)

در همین ماجرای تلاطم در بازار بورس تهران معاون وزیر اقتصاد با صراحت یادآور گردید: از شرکت های بزرگ سرمایه گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی (یعنی بنیادهای انگلی و فاسد) و شرکتهایی از این نوع خواسته شده است در تلاطم بازار دخالت نکنند تا بازار تثبیت شود. ... رشد غیر معمول شاخص سهام در بازار بورس تهران سبب نگرانی شدید سرمایه گذاران و سهامداران کوچک شده است.

توجه به یک نکته در رابطه با رشد و شکل گیری لایه نوین سرمایه داری وابسته ایران از اهمیت برخوردار است. مسئولان و گردانندگان رژیم ولایت فقیه می کوشند، حیطه عملکرد و محدوده فعالیت این لایه نوین را کاملاً نو معرفی کنند و آنرا بخش نو اقتصاد ایران نام نهاده اند؛ بی تردید این نام گذاری و اصولاً اینگونه معرفی کردن کاملاً آلوده به غرض ورزی بوده و با هدف مشخص صورت می گیرد. بازار بورس و اوراق بهادار در ایران به هیچ رو نو نیست، در دوران حکومت ضد ملی و ضد مردمی پهلوی، بازار بورس بنا به ماهیت سیستم اقتصادی حاکم، محلی بود که، کارگزاران ریز و درشت بزرگترین بانکها و شرکتهای

امپریالیستی و در رأس آنها شرکتهای امریکایی و انگلیسی سر رشته امور را در دست داشتند. این نوع فعالیت که اکنون رژیم واپس مانده ولایت فقیه آن را بخش مدرن اقتصاد ایران می نامد، نقش موثری در خروج سرمایه از ایران و نفوذ و رسوخ سرمایه امپریالیستی در اقتصاد ایران داشت. سابقه بازار بورس اوراق بهادار در ایران به طور رسمی به سال ۱۳۴۶ خورشیدی می رسد. در این سال با دخالت مستقیم مقامات دولتی بازار بورس در کشور تأسیس شد. فساد و کلاه برداری و حقه بازی که اکنون در بازار بورس رایج است و آقا زاده ها و بنیادهای انگلی به دلیل منافع خود به آن دامن می زنند، در گذشته به اشکالی دیگر وجود داشت.

بنابراین ما با پدیده یی نوین و یا به زعم رژیم ولایت فقیه با بخش نو اقتصاد ایران رو به رو نیستیم. نوسانات شدید در اوراق بهادار و قیمت سهام بطور عمده با وضع اقتصادی کشور مربوط است. بر اثر این نوسانات عده یی از سرمایه داران غنی تر می شوند و عده یی ورشکست. ثروت اجتماعی از دست بازنده ها به دست برنده ها انتقال می یابد. بزرگترها، کوچکترها را بلعیده و یا نابود می کنند.

## ادامه محمد خاتمی: «ما خیانت نکردیم» ...

در ادامه همین سخنان اضافه کرد که: «ما باید اسلام را به گونه ای بشناسیم که با معیارهای دموکراسی سازگاری داشته باشد و خواستار دموکراسی می باشیم که متناسب با اسلام باشد وی با اشاره به اینکه در نظام مردم سالار، مجلس نماینده عقل جمعی است، گفت: مجلس مکانی است که افراد آراء جمع را و نه آراء فرد را به رسمیت می شناسند و به همین دلیل مجلس در راس امور است. وی گفت: ما اگر می خواهیم نظام دموکراتیک داشته باشیم، باید مردم هر چه بیشتر در انتخاب نمایندگان خود احساس آزادی کنند و محدودیت ها کم شود تا ضمن حفظ جایگاه مجلس اساس دموکراسی تضمین شود.»

خاتمی در ادامه همین سخنان ضمن تأکید بر ضرورت توجه به خواست های جوانان از جمله گفت: «نباید در شعارها و گفته ها، جوانان ارزش دکوری به خود بگیرند و در مرحله گذار امروزی جهان ما نمی توانیم از جوانان بخواهیم همانگونه رفتار کنند که ما در گذشته کردیم». وی افزود: «در حال حاضر سرعت پیشرفت و روشهای نوین فن آوری ما را نیازمند رفتاری جدید در برخورد با جوانان می کند. باید پذیریم که الگوی جوانان امروزی باید بر اساس معیارهای امروزی ساخته شود و دولت نیز با اتخاذ روشهای مناسب و حفظ هویت فرهنگی جامعه نیازهای جدید جوانان را تامین کند.» رئیس جمهوری بحران هویت دغدغه اصلی جوانان امروز ایرانی دانست و گفت: جوان ایرانی باید با توجه به سابقه درخشان گذشته کشور و آنچه در دنیای امروز رخ می دهد هویت خود را تعریف کند.»

البته مهمترین مشکلات جوانان میهن ما نه بحران هویت و نه عدم رعایت «موازین اسلامی» بلکه دغدغه بیکاری، فقر و محرومیت شدید و خلاص شدن از زیر فشار منگه خفقان تاریک اندیشان حاکم است. سرکوب آزادی اندیشه، بیان و تشکل، در کنار بی توجهی کامل به نیازهای آموزشی جوانان و همچنین رشد ناهنجاری های اجتماعی از جمله معضلات عظیمی که جوانان میهن ما با آن رو به رو هستند. پاسخ گویی به این نیازها و حل این معضلات نیازمند برداشتن گام های بلند و شجاعانه در راه تغییر روابط غلط و قرون وسطایی است که جامعه ما را به زنجیر کشیده است و سد راه تحولات میهن است. همان طور که آقای خاتمی در بالا اشاره می کند، تجربه دوم خرداد ۷۶ و شش سال تلاش های پس از آن نشان داده است که برداشتن چنین گام هایی با حفظ رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست.

## ادامه سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ...

اهرم وادار کردن دولت ها در امر خصوصی سازی، به همراه فشارهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول حرکتی است برای «آزادی سرمایه» که در جهت تامین منافع انحصارات در وهله اول خدمات عمومی را مورد هدف قرار می دهد.

اتحادیه جهانی دانشجویان در اطلاعیه بی که به این مناسبت انتشار داد، ضمن بر شماری سیاست های ضدانسانی «سازمان تجارت جهانی» و چگونگی عملکرد تحدید خدمات دولتی، مخالفت خود را با این سیاست ها اعلام کرده و با فراخوان خود خواستار مبارزه جهانی برضد سیاست های سازمان تجارت جهانی، به ویژه در مورد روند کالاگرایی و خصوصی سازی آموزش و تحصیلات شده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در تلاش است تا بر اساس برنامه ریزی های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (سه اهرم پیشبرد جهانی سازی)، هر چه زودتر خصوصی سازی در ایران را سریع تر گسترش دهد و در این راه بخش های وسیعی از خدمات و سازمان های دولتی را خصوصی کرده است. در مرداد ماه (ژوئیه ۲۰۰۳) در همیاری با سیاست های اقتصادی دولت ایران، صندوق بین المللی پول گزارشی در مورد شکوفایی وضعیت اقتصادی ایران منتشر کرد که دولت مردان جمهوری اسلامی آن را کامیابی در عرصه اقتصادی معرفی کردند. آنچه که به نام کامیابی اقتصادی معرفی شد افزایش بودجه دولت به دلیل بالا رفتن قیمت نفت در بازار جهانی، افزایش توان دولت برای بازپرداخت بدهی های خارجی و افزایش سرمایه گذاری خارجی بود. در حالی که تورم و بیکاری همچنان در سطح بالایی قرار دارد و بهره وری کار در سطح نازلی قرار دارد. گزارش صندوق بین المللی پول علت تورم بالا در اقتصاد کشور را موانع ساختاری برای توسعه و گسترش بخش خصوصی در ایران معرفی می کند. در سراسر گزارش تنها به همین موضوعات (افزایش ذخیره ارزی توان پرداخت بدهی و جلب سرمایه خارجی و خصوصی سازی) پرداخته شده و این موضوعات معیار اصلی در ارزیابی رشد اقتصادی جمهوری اسلامی قلمداد شده است. در حالی که در هیچ کجای گزارش صندوق بین المللی پول به رشد تولید تقویت بنیه صنعتی کشور کاهش نرخ بیکاری افزایش قدرت خرید حقوق بگیران و بهبود سطح زندگی مردم اشاره نشده است.

در همین چارچوب و در راستای گردن نهادن به خواست های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، طهماسب مظاهری وزیر اقتصاد در دولت خاتمی در همایش آینده بازرگانی و سرمایه گذاری در ایران که در لندن برگزار شد خطاب به سرمایه داران و شرکت های انگلیسی به وضوح از کاستن «مقررات دست و پا گیر» (آزادی سرمایه) و «کوچک کردن» بخش دولتی (خصوصی سازی) و جذب سرمایه خارجی در ابعاد وسیع خبر داد و این که در این زمینه ها در کشور به یک وفاق (میان جناح بندی های حکومتی) دست یافته اند. همزمان با این موضع گیری های جدید مدیر عامل شرکت بهسازی مشارکت های بانک ملت در تهران نیز خاطر نشان ساخت بر اساس مصوبات مجمع عمومی بانکها علاوه بر خصوصی سازی بانک ها، شرکت ها و کارخانجات تحت پوشش بانک ها نیز به بخش خصوصی واگذار می شود.....).

رییس کل سازمان سرمایه گذاری خارجی و کمک های اقتصادی جمهوری اسلامی نیز در گفت و گویی با خبرنگاران گفت که طی سال گذشته تقریباً برابر با تمام سرمایه گذاری های خارجی انجام شده در ۱۰ سال اخیر در ایران سرمایه گذاری شده است. وزیر صنایع و معادن نیز در مصاحبه با «ایرنا» اعلام کرد که از حدود ۲۶۰۰ معدن در سراسر کشور تنها ۱۵ معدن بزرگ در اختیار دولت است. به اعتقاد وی «تنها با حضور بخش خصوصی می توان معادن کشور را پیش از پیش فعال کرد».

در راستای همین سیاست ها و برای تسریع بیشتر خصوصی سازی در کشور، سیاست گذاران رژیم در تلاش اند تا راه را برای موج خصوصی سازی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور باز نمایند و درخواست صندوق بین المللی پول را در مورد هر چه بیشتر خصوصی کردن نظام خدمات عمومی به مورد اجرا در آورند. اقدامی که در ماه های بهار امسال با اعتراض ها و مخالفت های جدی دانشجویان روبه رو شد. در جواب به این حرکت اعتراضی که صرفاً یک حرکت صنفی بود، رژیم با سازماندهی یورش قمه زنان و چاقو کشان «ولی فقیه» دست به سرکوب دانشجویان زد. به دنبال آن دستگیری و تعرضات علیه دانشجویان به شیوه ای وحشیانه آغاز شد. بسیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند تعداد کثیری به زندان انداخته شدند و تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار گرفتند.

این شیوه ای بوده است که رژیم ولایت فقیه همیشه در برابر خواست های نه تنها سیاسی بلکه حتی صنفی دانشجویان و سایر گروه های مردمی اتخاذ کرده است. همزمان با این یورش نیروهای وابسته به «ولی فقیه» (حزب الله) در سایر شهرها نیز با هجومی گسترده و هم آهنگ به سرکوب اعتراض های دانشجویی پرداختند و نشان دادند که در راستای دست یابی به اهداف ضد بشری و جنایت کارانه خود دست به هر جنایتی می زنند. کالاگرایی و خصوصی سازی دانشگاه ها و نظام آموزشی در راستای آن اهداف و چارچوبی است که اهرم های اصلی جهانی سازی (صندوق بین المللی پول بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی) برای اقتصاد ایران ترسیم کرده اند. دولت ایران تلاش گسترده ای را برای پیوستن هر چه سریعتر به سازمان تجارت جهانی را آغاز کرده است و در این راه نیز مذاکرات فراوانی را با اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی صورت داده است و برای پذیرفته شدن در این سازمان نیز تعهدات لازم را قبول کرده است. تعهداتی که قدمی جدی در معراج پیوستن به سیستم جهانی شدن است.

«سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران» (ODYSI)، به مثابه عضو دیرینه اتحادیه جهانی دانشجویان حمایت فعال خود از این کارزار جهانی را اعلام کرده و در این راستا دانشجویان مبارز و ترقیخواه میهن را فرا می خواند که مبارزه باشکوه خود برای جلوگیری از دستبرد بخش خصوصی به نظام آموزش عالی را ادامه و گسترش دهند. ما هم زبان با همه دانشجویان جهان می گوئیم که: عرصه هایی نظیر بهداشت، آموزش، توزیع انرژی، آب، و دیگر خدمات پایه بی مورد نیاز انسان نباید موضوع قوانین و مقررات «تجارت آزاد بین المللی» قرار بگیرد. به علاوه «موافقتنامه عمومی مربوط به تجارت خدمات» (GATS) نمی باید توانایی دولت ها و ملت ها را در امر قانون گذاری و نظارت بر حفاظت از محیط زیست، بهداشت، ایمنی و دیگر عرصه های مورد نیاز عامه مردم محدود نماید.

مبارزه برضد موج خصوصی سازی در کشور ما عرصه مبارزه مشترک و متحد دانشجویان و زحمتکشانشان کشور است. ما با پرچم رزم همیشگی خود: «اتحاد، مبارزه، پیروزی» در مبارزه برضد سیاست های خانمانسوز رژیم حاکم همدوش جوانان، دانشجویان، کارگران و زنان کشورمان خواهیم بود. پیروزی از آن ماست!

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

۲۲ شهریور ۱۳۸۲

## ادامه اشغال عراق سکوی ...

نشود. روزنامه اوکاز، چاپ عربستان سعودی، بعد از اشغال عراق، در مقاله‌ی بی‌عنوان «خروج عراق (از اوپک) باعث رقابت مرگباری بین همه کشورهای تولیدکننده نفت خواهد شد». در این رابطه هشدار می‌دهد. دکتر وادی کابلی، استاد اقتصاد بین‌المللی در دانشگاه شاه عبدالعزیز، نگران این است که اگر عراق اوپک را ترک کند و از سیستم عرضه و تقاضای بازار تبعیت کند، احتمال تجزیه شدن اوپک و بیرون آمدن دیگر اعضای اوپک از آن وجود دارد و «این به معنی پایان کار اوپک خواهد بود». یکی دیگر از متخصصین به نام دکتر عبدالعزیز داغستانی، رئیس بخش مطالعات اقتصادی در ریاض، این مساله را مطرح کرد که اگر عراق اوپک را ترک کند، تعادل جدیدی بین اوپک و سایر کشورهای تولیدکننده نفت (خارج از اوپک) به وجود خواهد آمد. او اضافه کرد که «این مساله اوپک را تضعیف می‌کند و به احتمال قوی آن را از بین خواهد برد.» دکتر عبدالرحمان السنی، مفسر و نویسنده اقتصادی، نگران این است که آمریکا با استفاده از کنترل خود روی دولت جدید عراق، آن را وادار به ترک از اوپک کند. چنین امری سه پیامد منفی را به همراه خواهد داشت.

۱- آمریکا صنایع نفت عراق را برای استفاده شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی - انگلیسی و استرالیایی، خصوصی خواهد کرد.

۲- شرکت‌های نفتی غربی با تغییر در میزان تولید، بهای نفت در بازار جهانی را کاهش خواهند داد.

۳- این شرکت‌ها بهای نفت را در میانه مدت به ۲۲ تا ۲۸ دلار در هربشکه و در دراز مدت به ۱۵ تا ۱۸ دلار در هربشکه، کاهش خواهند داد و این در نهایت باعث از بین رفتن اوپک خواهد شد.

السنی در مقاله‌ی بی‌در روزنامه عربی زبان الشرق الاوسط، منتشره در لندن، حضور آمریکا در عراق را کاملاً در ارتباط با کنترل کامل نفت عراق دانست. او تمایل به چنین حرکتی را به شرایط رو به وخامت شاخص‌های اقتصاد کلان ایالات متحده آمریکا از تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نسبت می‌دهد که از زمان رکود عظیم اقتصادی دهه ۱۹۳۰ میلادی، بی‌سابقه بوده است. وی به کسری بودجه، بدهی مالی در سطح ملی و نرخ بالای بیکاری به مثابه عواملی که می‌توانند به فروپاشی عظیم‌ترین کشور اقتصادی جهان منجر شوند، اشاره کرد.

چنین هشدارهایی که از سوی السنی در باره فاجعه اقتصادی آمریکا مطرح می‌شوند، در مقاله‌ی دیگر به نام «اوپک و چالش‌های سرنوشت ساز» نوشته «عبدالوهاب قحطانی» در نشریه «الشرق الاوسط» فراتر می‌روند. قحطانی نگرانی خود را چنین بیان می‌کند: صهیونیست‌ها در حال برنامه‌ریزی برای ورود به صنعت پتروشیمی عراق و نیز حتی در سایر کشورهای خلیج تحت پوشش جهانی شدن و کمک اقتصادی یک جانبه می‌باشند. او با تاسف می‌نویسد: «ما در رابطه با اینکه ثروت و دارایی مان در مقابل چشمانمان سرت می‌شود کاری نمی‌توانیم بکنیم به غیر از اشک ریختن و محکوم کردن.» نویسنده برای تأیید چنین عاقبتی از «جین کرک پتریک»، نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل که، موضع حمایتگرانه او از اسرائیل معروفیت داشت، نام می‌برد که خواهان خروج عراق از سازمان اوپک بود. در نوشته دیگری در روزنامه «الحیات» چاپ لندن، نویسنده معتقد است که پس از ورود مجدد نفت عراق به بازار جهانی، موقعیت «تهاجمی» سازمان اوپک به «تدافعی» تبدیل خواهد شد. کشورهای عضو اوپک در دوران محاصره اقتصادی و محدودیت تولیدی نفت عراق توانستند به افزایش قیمت نفت اقدام کنند. نویسنده مقاله ادامه می‌دهد: «امواج نگرانی از آینده در میان اعضای سازمان اوپک در

جریان است.» این مساله ایران را بر آن داشت که علیه مبارزه بین کشورهای عضو برای تعیین سهمیه‌ها (تحت سیستم سهمیه‌ی اوپک) که می‌تواند به سقوط قیمت‌ها منجر شود، اخطار کند. رئیس کمیسیون انرژی ایران در مجلس این کشور اعلام کرد که «اگر عراق بیش از سهمیه خود نفت تولید کند، جنگ بر سر تعیین قیمت‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»

## توانایی کنونی تولید نفت عراق

بسیاری از این بحث‌ها مدت‌ها پیش از این که عراق حتی یک بشکه نفت صادر کرده باشد؛ آغاز گردید. این بحث‌ها بر این باور مطرح شدند که کارشناسان عراقی توانایی بازسازی صنایع نفت را علی‌رغم کم‌توجهی‌های گذشته در نتیجه محاصره اقتصادی، غارت، از هم پاشیدن سیستم مخابرات درون کشور و قطع برق، زودتر از آنچه که انتظار می‌رود، خواهند داشت. عراق اعلام کرده است که در نیمه دوم ماه ژوئن صادرات نفت خود را با ۷۵۰ هزار بشکه در روز آغاز خواهد کرد. رئیس وزارت نفت منصوب شده از طرف آمریکا، پیش‌بینی کرده است که عراق با تولید ۱/۴ میلیون بشکه در روز شروع خواهد کرد. چنین پیش‌بینی ممکن است خوش‌بینانه باشد، اما تا آخر سال جاری مسلماً امکان‌پذیر خواهد بود. فیصل الجلیبی، رئیس کل مرکز انرژی جهانی در لندن، که طرفدار خصوصی شدن صنعت نفت عراق است، از صادرات ۸ میلیون بشکه در روز تا ۶ یا ۷ سال دیگر و حتی ۱۰ میلیون بشکه در روز را پس از اکتشافات جدید مطرح می‌کند.

نتیجه‌گیری: قدرت عربستان در خاور میانه در رابطه مستقیم با فراوانی ذخایر نفتی آن و نفوذ این کشور در سازمان اوپک ارزیابی می‌شود. اگر نقش سازمان اوپک به واسطه سیاست‌های مستقل نفت عراق کاهش یابد و یا حتی به انحلال آن بیانجامد، عواقب آن برای عربستان فراینده خواهد بود. فرای تغییرات در بهای نفت، صادرات نفت ۸۵ درصد در آمد عربستان را تأمین می‌کند. به عنوان یک کشور صادرکننده ۷/۵ میلیون بشکه در روز، کاهش یک دلار بابت هر بشکه، به معنای از دست دادن ۲/۷ میلیارد دلار در سال است. کاهش ۱۰ دلار در هر بشکه، برای رژیمی که در تقلا برای برآوردن نیازهای جمعیت در حال رشد خود و حل مشکل افزایش بیکاری است، چیزی به غیر از یک کابوس وحشتناک نخواهد بود.

## ادامه حزب توده ایران تصمیم اسرائیل ...

است که بر وضع نیروهای امنیتی نظارت کند. جو ایجاد شده توسط اسرائیل در مناطق اشغالی تا حدود زیادی بیانگر تصمیم دولت شارون برای ایجاد فشارهای بیشتر به مردم فلسطین در طلب عقب‌نشینی‌های بیشتر از سوی آنهاست. این روند که در دهسال گذشته و از آغاز مذاکرات صلح وجود داشته، نشان داده است که در پس هر مذاکره و گفتگویی، «حادثه» و واقعه‌ی سبب می‌شود تا مذاکرات مسکوت بماند و در هر آغاز مجدد، شرایط جدیدی برای مذاکرات در نظر گرفته می‌شود که همواره در آن‌ها امتیازهای بیشتری برای اسرائیل و عقب‌نشینی‌های بیشتری برای فلسطین در نظر گرفته می‌شود. روند مذاکرات صلح و تغییرات مرحله‌ی بی‌آن از زمان مذاکرات اسلو تا طرح «قشه راه» بیانگر این حرکت اسرائیل است. در شرایط حاضر نیز «کشور خودمختار فلسطین» نه تنها استقلال اقتصادی، سیاسی و نظامی ندارد، بلکه حتی از نظر ظاهری نیز شابهتی به یک کشور ندارد. چند بخش مجزا از مناطق اشغالی و در احاطه نظامی ارتش اسرائیل و با ایستگاه‌های بازرسی، نمی‌تواند بیانگر کشوری مستقل باشد. کشوری که حتی ساکنین آن نیز از ارتباط با یکدیگر محروم هستند و برای رفت و آمد نیاز به گذر از ایستگاه‌های بازرسی ارتش اسرائیل دارند.

## ادامه «روزه» سیاسی در همبستگی با ...

تعجب دارد که پس از این همه سال ها و انتشار این همه اسناد گوناگون از شکنجه های وحشیانه و ضد انسانی دژخیمان رژیم ولایت فقیه بر ضد دگراندیشان، هنوز این سؤال برای آقای مرزوعی و دوستان ایشان پاسخ داده نشده است و تنها با انتقال عباس عبدی به سلول انفرادی زمینه ساز طرح چنین سئوالی شده است. شهریور ماه یاد آور سالگرد کشتار جنایتکارانه هزاران زندانی سیاسی و رزمندگان راه آزادی به دستور صریح خمینی در سیاه چال های رژیم است. آقای مرزوعی می پرسد که چگونه است که عباس عبدی حتی پس از طی مراحل محاکمه و صدور حکم همچنان در سلول انفرادی به سر می برد. آقای مرزوعی می تواند به نامه های آقای منتظری و دیگر اسناد تکان دهنده جنایات رژیم در زندان رجوع کند تا برایش روشن شود که آنچه امروز بر سر عبدی و دوستان او می رود با ده ها برابر خشونت و سبعیت بر هزاران زندانی سیاسی دیگر رفته است. هزاران انسانی که در زندان های رژیم شکنجه و وحشیانه کشتار شدند همگی کسانی بودند که در همین بیدادگاه های دستگاه های قضایی رژیم محاکمه و محکوم به زندان شده بودند. زنده یاد رفیق شهید دکتر احمد دانش، در نامه تکان دهنده اش از زندان های رژیم در دهه هفتاد از شکنجه های وحشیانه یی سخن گفت که انسان ها در پی آن تنها می توانستند بر روی زمین بخزند. شلاق، داغ، درفش، شوک الکتریکی و تجاوز جنسی بخش هایی از ابزار و عملکرد «انسانی»، «سربازان گمنام امام زمان»، یعنی شکنجه گران جنایتکارانی همچون لاجوردی ها و دیگر همکاران سعید امامی (اسلامی) بود که خمینی و سران رژیم به آنان افتخار می کردند آقای مرزوعی و دوستان او می توانند به گزارش های گوناگون مجامع حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و دادنامه های گوناگون هزاران خانواده های زندانیان سیاسی و قربانیان و اعدام شدگان رژیم رجوع کنند تا پس از گذشت بیش از دو دهه از این جنایات بالاخره پاسخ سئوالات خود را نه از سازمان دهندگان و مجریان این جنایات بلکه از زبان قربانیان و شهود عینی این حوادث دهشتناک دریافت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پانزدهمین سالگرد فاجعه کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، همه نیروهای آزادی خواه و مردمی کشور را به تشدید همبستگی در راه افشای جنایات رژیم در زندان ها و همبستگی با همه زندانیان سیاسی دربند فرا خواند. بر این اساس حزب ما هرگونه حرکت اعتراضی یی را که در جهت افشای رژیم ولایت فقیه و دستگاه سرکوب آن سازمان دهی شده باشد عملی مثبت ارزیابی می کند و حمایت خود را از آن اعلام می کند. این مبارزه بر خلاف نگرانی های برخی از اصلاح طلبان حکومتی تنها با توده ای شدن و در بر گرفتن وسیع ترین قشرهای نیروهای اجتماعی می تواند مرتجعان حاکم را به عقب نشینی و تن دادن به خواست نیروهای ملی و آزادی خواه در زمینه آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران وادار کند. این تلاش و مبارزه را باید تشدید کرد و گسترش داد.

ایم. گزارش های دریافتی از وکلای مدافع و خانواده های زندانیان و رسانه های عمومی دلالت بر نقض آشکار موازین قانونی و حقوق شهروندی در رابطه با نحوه دستگیری، بازجویی، رفتار با بازداشت شدگان و نگهداری طولانی در سلولهای انفرادی - که به تصدیق کارشناسان از مصادیق بارز شکنجه است - دارد. عدم رسیدگی سریع به اتهامات و تشکیل دادگاه، عدم تبدیل قرار بازداشت، محرومیت از برخورداری از وکیل در مرحله تحقیقات، محدودیت تماس و ملاقات با خانواده ها و وکلا از جمله موارد نقض حقوق قانونی و شهروندی است. با کمال تأسف، اعتراضات زندانیان نسبت به شرایط حاکم بر آنان، از جمله با اعتصاب غذا به مدت طولانی نادیده گرفته شده است. در شرایطی که جمعی از فعالان فرهنگی، سیاسی به عنوان اعتراض به رفتارهای غیرقانونی درباره زندانیان اعلام روزه سیاسی در روز (۲۴/۶/۸۲) نموده اند، ما امضاء کنندگان زیر نیز برای حمایت از زندانیان سیاسی و اعتراض به نقض قانون و حقوق شهروندی آنان، به این حرکت جمعی پیوسته و در آن روز، روزه سیاسی خواهیم گرفت ...» جبهه مشارکت نیز با صدور اطلاعیه یی دلایل اعلام «روزه» سیاسی و حرکت اعتراضی اخیر را توضیح داد. رجوعی مرزوعی، نماینده مجلس و سخنگوی جبهه مشارکت در مجلس در توضیح این حرکت اعتراضی به خبرنگاران گفت: «برای دفاع از حقوق اولیه زندانیان و حقوق اولیه یی که هر انسانی باید برخوردار باشد تصمیم به «روزه سیاسی» گرفتیم...» وی در ادامه همین سخنان افزود: «تصمیمی که جمعی از دوستان گرفته اند فارغ از این است که این افراد به چه دلایلی دستگیر و محاکمه و زندانی شده اند، همچنین بدون وارد شدن به اتهاماتی است که به این افراد زده اند... برخی از حقوق اولیه این افراد در زندان رعایت نمی شود، مثلاً نگره داشتن عبدی علیرغم اینکه محاکمه شده، تمام مراحل دادرسی را طی کرده و حکمی برایش صادر شده، در قرنطینه و به صورت انفرادی و از ملاقات با خانواده محروم کردن وی هیچ توجیهی ندارد.» مرزوعی در انتهای سخنان خود اضافه کرد: «به نظر من، باید... مشخص می شد، ادعاهای آقای عبدی چقدر صحیح است، و واقعا حتی اگر بخشی از آن ادعای صحیح باشد، باید برای مجموعه نظام قابل تامل باشد؛ نباید فراموش کرد برپایی نظام جمهوری اسلامی در عکس العمل به ظلمها و ستمهایی بود که در رژیم گذشته به افراد به خصوص به زندانیان سیاسی می شد، و امروز به نقطه ای رسیده ایم که متأسفانه ناچاریم برای دفاع از حقوق این زندانیان دست به چنین حرکت اعتراضی بزنیم.»

«روزه» سیاسی در اعتراض به وضعیت زندانیان سیاسی و دفاع از حقوق دگراندیشان و در همبستگی با عباس عبدی، بی شک گام مثبتی است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه از آن حمایت می کنند. مسأله اساسی که به نظر می رسد توجه به آن ضروری است پاسخ به سئوالی است که مرزوعی از جانب جبهه مشارکت از «سران نظام» دارد و آن این است که آیا واقعاً ادعاهای عباس عبدی در مورد شکنجه و آزار زندانیان سیاسی صحت دارد یا نه. البته جای

## غرفه «نامه مردم» در جشن «صدای خلق»

در روزهای ۹ و ۱۰ شهریورماه (۳۰ و ۳۱ اوت ۲۰۰۳) جشن بزرگ «صدای خلق»، نشریه حزب کمونیست اتریش، در شهر وین برگزار شد. در این جشن که در دو روز و در هوای آزاد برگزار شد، احزاب کمونیست و شمار زیادی از سازمان های مترقی از سراسر جهان حضور داشتند. از جمله شرکت کنندگان در این جشن می توان از سازمان های مترقی و چپ از کشورهای شیلی، کوبا، آرژانتین، گواتمالا، ترکیه، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست کردستان عراق، و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نام برد. حزب ما همه ساله از جمله میهمانان ثابت جشن «صدای خلق» تلقی می گردد.

هواداران حزب امسال نیز با برپایی غرفه «نامه



مردم» در دهکده همبستگی» در این جشن بزرگ شرکت کردند. غرفه «نامه مردم» با شعارهای «با هم به سوی تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه»، «آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران» و «فرخنده باد شصت و دومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران» به زبان های فارسی و آلمانی و همچنین عکس هایی از تظاهرات اخیر دانشجویان در ایران و گردهمایی خانواده های شهدای فاجعه ملی در گلستان خاوران و نیز گل های سرخ تزیین شده بود.

در طی دو روز جشن رفقای توده ای با پخش ده ها اعلامیه به زبان های فارسی و آلمانی و فروش کتاب و نشریات، بازدید کنندگان ایرانی و خارجی از غرفه حزب را در جریان آخرین تحولات میهن مان و منطقه قرار دادند. از نکات جالب در خلال بازدیدها از غرفه حزب، بازدید رفیقانه و بسیار صمیمی از سوی حزب کمونیست اسلواکی بود که به گرمی از سوی رفقای توده ای استقبال شد. در طی این دیدار رفیقانه از سوی حزب کمونیست اسلواکی هدیه ای از کار دستی مردم اسلواکی به رفقای حزبی تقدیم شد. جشن «صدای خلق» در آخرین ساعات یکشنبه ۱۰ شهریور ماه، پس از دو روز پر از جنب و جوش و بازدید ده ها هزار نفر از این مراسم با موفقیت به کار خود پایان داد.

## حزب توده ایران تصمیم اسرائیل به اخراج یاسر عرفات را محکوم می کند!

تصمیم دولت شارون مبنی بر اخراج یاسر عرفات از فلسطین بحران جدید، همه جانبه و خطرناکی را در خاورمیانه ایجاد کرده است. گرچه تصمیم تحریک آمیز دولت اسرائیل به اخراج غیرقانونی رئیس جمهور منتخب مردم فلسطین به مثابه عکس العملی در مقابل قبول استعفاء محمود عباس، نخست وزیر مورد حمایت ایالات متحده، از سوی یاسر عرفات و برگماری نخست وزیر جدید، ارائه شده است آنها باید ادامه سیاست آریل شارون دانست که این امر از بیست سال پیش در دستور کار خود قرار داده بود. تبلیغات فزاینده و بی پایه مطبوعات دست راستی اسرائیل در ماه های اخیر در اینکه یاسر عرفات بر سر راه اقدامات دولت محمود عباس مانع تراشی می کند و اینکه مسببان عملیات تروریستی در این کشور با رئیس جمهور فلسطین و نیروهای طرفدار او مرتبط هستند، زمینه ساز تهاجم سیاسی اخیر آریل شارون می باشد. «محمود عباس» خواستار اختیارات وسیعی برای تصمیم گیری در مورد مسائل امنیتی و سیاسی کشور بود که با مخالفت رهبری فلسطین روبرو شد. در روز ۱۳ شهریور، محمودعباس اعلام کرد که در صورت عدم موافقت مجلس در مورد دادن اختیارات بیشتر، او از مقام خود استعفا خواهد کرد. اما او پیش از تشکیل جلسه مجلس و با آگاهی از این که با درخواست او مخالفت خواهد شد، از پست خود استعفا کرد. یوری لاندائو، عضو ماوراء راست کابینه اسرائیل در روز ۱۶ شهریور گفت که یاسر عرفات نباید از هیچ مجازاتی «مصون باشد». سیلوان شیلون، وزیر خارجه اسرائیل، در اظهاراتی در این رابطه گفت که: «به باور من اخراج عرفات نتیجه غیر قابل اجتناب سال ها شرکت او در تروریسم است». ارتش اسرائیل با ایجاد پست های نظامی بازرسی و بستن راه های مواصلاتی عملاً در ۲۱ ماه گذشته، عرفات را در ساختمان دو طبقه اداره خود محبوس کرده است. در چند ماه گذشته اسرائیل بر رغم تعهدات خود در قبال «نقشه راه» صلح مبنی بر آزاد کردن زندانیان فلسطینی، به غیر از تنی چند، از آزادی آنان خود داری کرد و همزمان نیز به حمله های نظامی خود تحت مبارزه با «تروریسم» و «نیروهای تند رو فلسطینی»، افزود. همزمان برخی از نیروهای افراطی فلسطین نیز به حملات متقابل دست زدند. آنچه که آرزوی سران دولت اسرائیل را برآورده ساخت تا بتوانند روند مذاکرات را به تعویق بیناندازند. محافل مترقی فلسطینی تروریسم دولتی اسرائیل و عملکرد تحریک آمیز شارون در گسیل واحد های نظامی این کشور به اراضی تحت کنترل دولت خودمختار فلسطینی و تشدید سیاست ترور رهبران سازمان های «حماس» و «جهاد اسلامی» توسط موساد و نیروهای نظامی را فاکتور اصلی در ایجاد بحران کنونی و به شکست کشاننده شدن ابتکار های متعدد صلح می دانند. محمود عباس در استعفا نامه خود در کنار اختلاف نظرهای خود با یاسر عرفات عدم حمایت اسرائیل و آمریکا از کوشش های خود در رابطه با روند صلح را از دلایل اصلی استعفا دانست. ده ها هزار تن از مردم فلسطین با جمع شدن در محوطه مقابل دفتر یاسر عرفات در «رام الله» حمایت و خشم خود را از سیاست های اسرائیل اعلام کردند. یاسر عرفات در سخنرانی خطاب به آن ها گفت: «شما مردمی شجاع هستید، مردم محبوب من. ابو عمار در کنار شما خواهد ماند.... شما کسانی هستید که قادر به پاسخگویی به این تهدید اسرائیل هستید».

مقامات رسمی فلسطین اخطار کرده اند که اخراج عرفات موج خشونت غیرقابل کنترلی را بر اه خواهد انداخت که می تواند از اسرائیل، کرانه غربی و نوار غزه فراتر رود. اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل که به همراه ایالات متحده از طراحان و حامیان «نقشه راه» صلح می باشند به اسرائیل اخطار کردند که با اخراج یاسر عرفات اشتباه بزرگی را مرتکب می شود. دیه گو دی اوجدا، سخنگوی کمیسیون اتحادیه اروپا گفت: «ما معتقدیم که این اشتباه بزرگی خواهد بود که عواقب جدی در سراسر منطقه خواهد داشت.» وزارت خارجه روسیه در بیانیه ای گفت: چنین قدمی هرگونه امکانی را برای حل صلح آمیز بحران اسرائیل - فلسطین از بین خواهد برد و منجر به زنجیره ای از حوادث غیرقابل کنترل خواهد شد.» کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، اخراج عرفات را اقدامی «غیر عاقلانه» از سوی اسرائیل دانست.

یاسر عرفات «احمد قریع» به عنوان نخست وزیر جدید معرفی کرد. احمد قریع پس از قبول پست نخست وزیری اظهار داشت که: «من در کوشش برای خروج از این پیچ خطرناک، یک کابینه اضطراری تشکیل می دهم.» او همچنین اعلام کرد که در صدد تشکیل یک «شورای امنیت ملی»

## اشغال عراق

سکوی پرش آمریکا برای کنترل نفت  
خاورمیانه و انهدام اوپک!

در چند ماه اخیر بحث های فراوانی در رابطه با دلایل واقعی حمله نظامی آمریکا و انگلستان به عراق و اشغال نظامی این کشور مطرح شده است. در سلسله مقالاتی که در نامه مردم منتشر شد از جمله به مهمترین این دلایل و از جمله کوشش امپریالیسم به کنترل منابع نفتی خاورمیانه به مثابه اهرم اصلی در کسب هژمونی بلامنازع بر اقتصاد جهان (نامه مردم شماره ۶۵۶ مورخ ۲۷ اسفندماه ۸۱) و ایجاد پایگاه های جدید نظامی در عراق برای حفظ و گسترش برتری نظامی در این منطقه که به لحاظ سوق الجیشی اهمیت حیاتی دارد (نامه مردم شماره ۶۵۵ مورخ ۱۳ اسفندماه ۸۱) اشاره شده است. اخیراً روزنامه تایمز مالی در تاریخ ۲۲ مرداد ماه در مقاله یی با تیتیر «هدف واقعی حمله به عراق، عربستان سعودی بود» فاش می کند که هدف این حمله در حقیقت با نگرانی های ایالات متحده در رابطه با کنترل استراتژیک منابع نفتی منطقه و همچنین مشکلات سیاسی در رابطه با عربستان سعودی و ادامه استفاده از پایگاه های نظامی آمریکایی مستقر در این کشور بوده است و هیچ ارتباطی با سلاح های امحاء جمعی عراق و یا ماهیت سرکوبگر رژیم بعثی حاکم بر این کشور نداشته است. «امنیت انرژی ایالات متحده از دیرباز بر دو مساله واقعی متکی بوده است. اول این که اهمیت عربستان سعودی در رابطه با ثبات نفت جهان کلیدی است... و دوم اینکه عربستان سعودی منبع ثروت شخصی برای چهره های کلیدی آمریکا و به ویژه اعضای خاندان بوش بوده است... ۱۱ سپتامبر هردوی این واقعیت ها را به خطر انداخت...» این مقاله که توسط جفری ساکس، مسئول انستیتوی زمین دانشگاه کلمبیا نوشته شده و به برخی از تازه ترین افشاگری های مقامات سیا اشاره دارد، مطرح می کند که دونالد رامسفلد (وزیر دفاع) و دیک چنی (معاون رئیس جمهور) با مطالعه بحران انرژی در سال ۱۹۷۴ که دولت جرالد فورد را به زانو در آورد، از مدت ها قبل طرح همه جانبه ای برای کنترل خاورمیانه و منطقه خلیج فارس داشته اند که ربط مستقیمی به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ندارد و بلکه از این فاجعه به عنوان بهانه یی استفاده کردند. مقاله تایمز مالی با اشاره به اینکه «پنتاگون برنامه اضطراری کنترل نظامی حوضه های نفتی خلیج فارس را در دستور کار داشته است» در ادامه دلایل چهارگانه یی را در رابطه با سیاست های ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر مطرح می کند که پایه در اهمیت کلیدی کنترل منابع نفتی خلیج فارس و نیز عدم ثبات سیاسی عربستان سعودی و خطرات ناشی از آن برای منافع حیاتی امپریالیسم در منطقه دارد.

«نامه مردم» با توجه به اهمیت مطالعه و شناسایی زمینه های مختلف عملکرد استعماری امپریالیسم آمریکا در منطقه و به ویژه در رابطه با آینده بازار نفت و سازمان اوپک تاکنون چندین مطلب تحلیلی منتشر کرده است. در این راستا و برای کمک به درک اهمیت فاکتور نفت در سیاست گذاری کلان ایالات متحده آمریکا، «نامه مردم» ترجمه مقاله یی را که اخیراً در مجله «انستیتوی تحقیقاتی رسانه های خاورمیانه» (Middle East Media Research Institute) چاپ شده است، به دلیل اطلاعات و نظرات جالب مندرج در آن جهت اطلاع خوانندگان خود و محافل سیاسی میهن منتشر می کند.

## کابوس عربستان در مورد نفت عراق

عربستان بزرگترین تولید کننده نفت در سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) می باشد و بدین دلیل نیروی مسلط و با نفوذی در این سازمان است. هر تغییری در توازن عرضه نفت که بتواند نقش این کشور و نفوذ آن را در بازار بین المللی نفت و مهم تر از آن در آینده این کارتل نفتی تحت تاثیر قرار دهد، این کشور را به شدت نگران می کند. احتمال ورود عراق به بازار نفت - و با میزان قابل توجه تولید - نه تنها عربستان سعودی را نگران کرده بلکه می تواند برای این کشور به یک کابوس اقتصادی بدل شود. ذخایر نفتی عراق ۱۱۲ میلیارد بشکه بر آورد شده است که معادل ۱۱ درصد کل ذخایر نفتی جهان است و در حال حاضر بعد از عربستان سعودی با بیش از ۲۰ درصد ذخایر نفتی جهان، در رده دوم از نظر اهمیت قرار دارد. در طول بیش از ده سال گذشته هیچگونه اکتشاف نفتی در عراق (به دلیل محاصره اقتصادی این کشور توسط آمریکا و انگلیس) صورت نگرفته است و احتمال کشف ذخایر نفتی بزرگتری بعد از شروع این اکتشافات وجود دارد. واردات نفتی آمریکا از کشورهای عربی در سال ۲۰۰۲ معادل ۹۷۵ میلیون بشکه بود که برابر با ۲۸ درصد کل واردات نفتی آمریکا در آن سال است. عربستان با ۵۸۵ میلیون بشکه، بزرگترین صادر کننده نفت به آمریکا در آن سال و بعد از آن عراق با ۲۸۵ میلیون بشکه قرار داشت. این معادل ۶۰ درصد صادرات از عربستان سعودی و ۲۹/۲ درصد از عراق می باشد.

## نگرانی های عربستان سعودی

مدت ها قبل از حمله به عراق، یکی از مفسران عربستان سعودی به نام دکتر صالح النمل، تبعات این حمله را از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. به نظر وی، از نظر اقتصادی حمله آمریکا یعنی «باز سازی تسهیلات نفتی مدرن و قدرت صادراتی عظیم...» و اینکه آمریکا نه فقط در خرید و فروش در بازار جهانی نفت شرکت خواهد کرد، بلکه نقش مهمی در آن خواهد داشت. به این معنی که آمریکا نه تنها روی میزان تولید و قیمت نفت کنترل خواهد داشت، بلکه با استفاده از امکانات جدید عملاً می تواند باعث ورشکستگی کشورهای تولید کننده نفت شود.»

سه ماه قبل از شروع حمله به عراق برخی از متخصصین عربستان سعودی در مقاله یی تحت عنوان «نفت اولین قربانی حمله آمریکا به عراق» که در نشریه «الحیات» چاپ لندن منتشر شد، پیش بینی هایی در مورد اثرات جنگ در اوضاع نفت انجام دادند. این مقاله اهداف آمریکا را محکوم می کند و آن را مداخله آشکار در روند آزاد بازار نفت و نظامی کردن این کالای استراتژیک و کوشش در کاهش بهای نفت با جدا کردن آن از روند عرضه و تقاضا، به عنوان ابزار بازار ارزیابی می کند. یکی از متخصصین به نام دکتر «موقبی الثکایر»، پرفسور اقتصاد دانشگاه شاه عبدالعزیز، هشدار داد که کنترل آمریکا روی منابع نفتی عراق اثرات سیاسی مهمی روی تصمیم گیری های اوپک و موجودیت آن خواهد داشت. او اضافه کرد «واضح است که دنیای غرب خواهان نابودی اوپک می باشد... چرا که آن ها ترجیح می دهند قیمت نفت کاهش یابد البته تا آن حدی که به شرکت های نفتی غربی ضرر وارد

## ادامه در صفحه ۵

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 669**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

16 September 2003

**شماره فاکس و**  
**تلفن پیام گیر ما**  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse